

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش سی ام

۱۱ می ۲۰۱۴

دستور روز: سازماندهی قیام همگانی

بحران عمیقی که دشمن را می لرزاند، گسترش مبارزه مسلحانه، ارتقای وجدان میهن پرستانه انقلابی خلق و شرایط مساعد بین المللی، عواملی بود که سازماندهی قیام همگانی توده‌ئی و ارتش رهائیبخش ملی البانی را در دستور روز می گذاشت.

نخستین کنفرانس سراسری حزب کمونیست البانی که از روز ۱۷ تا ۲۲ مارچ ۱۹۴۳ در لایبوت، نزدیک الباسان تشکیل شد نقشی تاریخی در ارتقای این وظیفه بازی کرد. هفتاد نفر نماینده و میهمان در آن شرکت جستند. نمایندگان در کنفرانس های منطقه‌ئی حزب، منعقد در طی ماه می و اوائل ماه مارچ، انتخاب شده بودند و از جانب تقریباً ۷۰۰ عضو حزب نمایندگی داشتند.

کنفرانس فعالیت کمیته مرکزی موقت را کاملاً تصویب کرد و بدین نتیجه رسید که مشی سیاسی حزب همچنان که در عمل تأیید شده، درست بوده است.

محور کلیه کار های کنفرانس عبارت بود از مسأله آماده ساختن خلق برای قیام همگانی توده‌ئی و سازماندهی آن. نخستین کنفرانس سراسری در عین حال که پیشرفت های بزرگ در مبارزه ضد فاشیستی را خاطر نشان می ساخت توجه سازمان های حزب را به مشکلاتی که باید بر طرف گردد، به مسائل بغرنجی که باید حل شود تا قیام همگانی سازمان یابد و تأمین پیروزی کامل حاصل آید معطوف داشت و از این سازمان ها دعوت کرد که از مشکلات و مسائل مذکور کاملاً آگاه گردند. توده های خلق در زیر فشار مستقیم تبلیغات دشمنانه قرار داشتند و بالنتیجه در گوشه و کنار تزلزلاتی دیده می شد، موضع نگرفتن و از ماهیت سیاست حزب کمونیست البانی درک نادرست داشتن در اینجا و آنجا به چشم می خورد. بخشی از مردم به فریب «بالی کمیتار» گرفتار آمده بودند.

وظائف جدیدی که می بایست به منظور تحکیم رابطه حزب با توده های وسیع و تدارک قیام همگانی انجام گیرد در ضمن انتقادی سالم از مظاهر سکتاریسم و اپورتونسیسم تدوین گردید.

کنفرانس به کمونیست ها یاد آور شد که کارگران ستون حزب اند، و از کمونیست ها خواست که بیشتر به میان توده های کارگر در معادن، کارخانه ها، محوطه های ساختمانی و به خصوص در مراکز عمده صنعتی کوچو وا، سلنیسا، بنادر و غیره بروند.

کنفرانس نظریه اشتباه آمیز مبنی بر فقدان پرولتاریا در البانی را که توک ژاکووا بیان داشت افشاء کرد. این نظریه بی پایه از همان کنفرانس گروه های کمونیست رد شده بود. دیگر طبقه کارگر حزب کمونیست خود را داشت و به وسیله او نقش رهبری خویش را در مبارزه رهائی ملی بازی می کرد.

کنفرانس موفقیت هائی را که از کار در میان دهقانان به دست آمده و باعث شده بود که اکثریت دهقانان حزب کمونیست را حزب خود بدانند برجسته ساخت. معذک در بعضی از مناطق کشور و به خصوص در مناطق شمالی، همه دهقانان در مبارزه به ضد اشغالگران و خائنان مجدانه شرکت نمی جستند و نقش رهبری حزب را یکدل و یک زبان قبول نداشتند. «بالی کمبتار» فعالیت خود را در روستا متمرکز ساخته بود. وظیفه عاجل حزب آن بود که رابطه با دهقانان را حفظ و تحکیم کند و «بالی کمبتار» را از توده های دهقان منفرد گرداند. تدارک و شروع قیام همگانی تا اندازه زیادی به این امر وابستگی داشت که وظیفه مذکور با کامیابی به انجام برسد.

کنفرانس نقش بسیار مهم دهقانان را در مبارزه رهائی بخش ملی تأکید کرد و چنین رهنمود داد: «از آنجا که دهقانان اکثریت عظیم ملت ما را تشکیل می دهند و بنابر این باید ذخیره عمده نیرو های ما در مبارزه کنونی باشند باید به کار در روستا اهمیت خاص داده شود.»¹

کنفرانس، وحدت طبقه کارگر و دهقانان را مطمئن ترین سلاح در مبارزه رهائی بخش ملی دانست. کنفرانس به کمونیست ها دستور داد که کار سیاسی توضیحی و سازمانی را در روستاها وسعت و تکامل بخشند. در درجه اول می بایست شورا های رهائی ملی به کار انداخته شوند و تعداد هر چه بیشتری از دهقانان در واحد های پارتیزانی و دفاع از خود شرکت جویند. در عین حال این امر حائز اهمیت بود که دهقانان را به مبارزه علیه هرگونه مالیات و غرامت، هرگونه احتکار، هرگونه غارت و ستم و استثمار که از طرف فاشیست ها و ایادی آنان در البانی صورت گیرد بر انگیزند، مبارزه علیه بیسوادی را در ده سازمان دهند و به رواج فرهنگ بپردازند.

اگرچه اکثریت دهقانان ثروتمند علیه مبارزه رهائی بخش ملی به «بالی کمبتار» پیوسته بودند و می پیوستند کنفرانس نظر داد که شرکت دادن توده های دهقان در مبارزه، صرف نظر از تعلق طبقاتی آنها، همچنان ادامه یابد.

کنفرانس بخش مهمی از مذاکرات را به کار در بین جوانان و توده زنان اختصاص داد.

شور و روحیه انقلابی جوانان البانی، استقبال آنها از هرگونه فداکاری، کار مداوم سازمان های حزب و سازمان جوانان کمونیست در توده های وسیع جوانان به وجه برجسته ای خاطر نشان گردید. از بعضی از نقائص در این زمینه انتقاد شد. مثلاً انتقاد شد از سکتاریسم، از این که کار در بین جوانان بیش از اندازه به سوی جوانان محصل معطوف شده است، از این که کار در بین جوانان دهقان کافی نیست و در رهبری سازمان جوانان کمونیست گرایش هائی وجود دارد حاکی از این که وظائفی قرینه وظایف حزبی در آن سازمان ایجاد کنند. کنفرانس تأکید کرد که جوانان سرچشمه بی زوال نیرو های تازه برای حزب در مبارزه رهائی بخش ملی هستند و از این جهت خواستار گردید که مشی حزب در مورد جوانان عمیقتر درک شود، فعالیت راسختری در بین جوانان شهری و روستائی به عمل آید، حزب به این شعبه بسیار مهم کمک بیشتری برساند.

¹ - قطعنامه نخستین کنفرانس سراسری حزب کمونیست البانی. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۱۱۳

موضوع زنان به عنوان مسأله درجه اول شناخته شد و از دو لحاظ عمده مورد بررسی قرار گرفت: شرکت زنان در جنبش رهائیبخش ملی، و رهایی اجتماعی زنان. زنان می توانستند و می بایست نقش عمده ای در مبارزه ضد فاشیستی و در زندگی اجتماعی بازی کنند. در این مورد مهمتر از همه این بود که زن البانی از رقیت دیرینه خویش و از ستم طاقت فرسایی که اشغالگران بر خلق البانی روا می داشتند عمیقاً آگاه گردد، به ضد این ستم به پاخیزد و در راه رهایی ملی و تأمین آینده روشن به صورت مبارزی ثابت قدم، در آید. به کمونیست ها به ویژه توصیه شد که فعالیت خود را به زنان روشنفکر منحصر نگردانند بلکه در توده های زنان دهقان نفوذ کنند و همچنین در بین زنان کارگر و خانه دار شهر به فعالیت پردازند.

در مورد کار در میان جوانان و زنان، کنفرانس نظر داد که سازمان دادن آنها امری مقدم است. کنفرانس رهنمود داد که سازمان جوانان ضد فاشیست البانی و سازمان جبهه ضد فاشیست زنان به وجود آید.

به روشی که بایست در برابر ناسیونالیست ها اتخاذ شود و به همکاری احتمالی با آنها توجه بسیار به عمل آمد. اعتلای جنبش رهایی ملی باعث می گردید که صفوف ناسیونالیست ها دائماً غربال شود. بخش بزرگی از آنها، و به طور عمده نمایندگان بورژوازی متوسط، به جبهه رهائیبخش ملی پیوسته بودند و باز هم می پیوستند. عده دیگری روش بی طرف اتخاذ کرده بودند و به نیرو های خلق اعتماد نداشتند، خصلت مبارزه رهائیبخش ملی را عمیقاً درک نمی کردند و در مورد شکست فاشیسم دچار تردید بودند. گروه های ناسیونالیستی که نماینده منافع بورژوازی ارتجاعی و مالکان بزرگ ارضی به شمار می آمدند یا در «بالی کمبتار» گرد آمدند و یا در انتظار موقع مناسبی نشستند تا نسبت به مبارزه رهائیبخش ملی روش روشنی اتخاذ کنند.

کار دقیقی مانند کار در بین ناسیونالیست ها متضمن خطر اشتباهات و تظاهرات بارز سکتاریستی و اپورتونیستی بود. نخستین کنفرانس حزب کار البانی از ناشکیبایی و ناکاردانی برخی از کمونیست ها و برخی از سازمان ها در مورد ناسیونالیست های متزلزل و یا بی طرفان و شرکت کنندگان در «بالی کمبتار» انتقاد کرد. کنفرانس دستور داد که شکیبایی بسیار نشان داده شود و با ناسیونالیست ها وحدت صمیمی و یا همکاری به عمل آید. کمونیست ها موظف بودند با کلیه کسانی که از اشغالگران نفرت دارند و خواهان نبرد هستند حتی با آنانی که لاجرم به طور خستگی ناپذیر کار کنند تا آن که آنان را قانع گردانند و از آنها متحدانی، اگرچه ناپایدار بسازند.

کمونیست هایی که می خواستند در برابر فشار بورژوازی ارتجاعی سست بیایند سخت مورد انتقاد قرار گرفتند. این گونه عناصر متزلزل اظهار نظر کرده بودند که حزب باید هویت خود را رها کند و در جنبش رهایی بخش ملی حل شود. کنفرانس متذکر شد که: «این نظریات مستقیماً به انحلال حزب می انجامد.»^۲

کنفرانس وظیفه داد که هویت و نقش رهبری حزب در جنبش رهائیبخش ملی تحکیم شود و رسالت حزب کمونیست به مثابه پرچمدار مبارزه رهایی بخش خلق از فاشیسم و به احراز رهبری قشر های محروم، بیش از پیش بر توده ها روشن گردد.

کنفرانس به ویژه در مورد روشی که می بایست نسبت به «بالی کمبتار» اتخاذ کرد دقت روا داشت. «بالی» سیاستی ارتجاعی و ضد ملی و دو رویانه بازی می کرد. رؤسایش نشان داده بودند که عمیقاً محافظه کار و ارتجاعی اند و به هرگونه همکاری با اشغالگران تن در می دهند. آنان با مبارزه رهائیبخش ملی به مخالفت برخاسته بودند زیرا که این مبارزه چشم خلق را می گشود، او را بر خویشتن آگاهی می داد و از کلیه فریبکاران، ستمگران و استثمارپیشگان جدا می ساخت.

معدنک بسیاری کسان، به ویژه در روستاها، در صفوف «بالی کمیتار» یافت می شدند که خواهان نبرد به ضد اشغالگران بودند. کنفرانس مقرر می داشت که: «با این اشخاص می توان جبهه پیکارجویانه مشترک رهائیبخش ملی تشکیل داد.»^۳

وحدت «بالی کمیتار» با جبهه رهائی بخش ملی فقط در صورتی میس می گردید که وی در مبارزه مسلحانه به ضد اشغالگران فاشیست شرکت جوید و با نیل به این منظور می بایست از کلیه وسائل و از آنجمله از بحث با نمایندگان «بالی کمیتار» استفاده می کرد. ولی کنفرانس از نظریاتی حاکی از این که کار با «بالی» و به طور کلی با ناسیونالیست ها می بایست منحصر به مذاکره و سازش باشد انتقاد به عمل آورد و آنها را تظاهرات اپورتونیسیم خواند. بار دیگر تأکید شد که مهمترین کار باید متوجه افراد ساده و صدیقی باشد که جزء «بالی» اند تا آن که روابط پیکار جویانه ای با آنها برقرار شود و به عمل به ضد فاشیسم جلب گردند. فشار افراد ساده و مبارزه علیه اشغالگران موجب قشر بندی در درون «بالی کمیتار» خواهد شد و توده ها را از سران ارتجاعی جدا خواهد ساخت.

حزب می بایست از تبلیغات شک آور «بالی کمیتار» و به خصوص شعار «هنوز موقع فرا نرسیده است»، با شدت بیشتر پرده بر گیرد، با کلیه دستیاران فاشیسم و من جمله رؤسای بالیست ها که صریحاً به دستگیری فاشیسم خاسته بودند و یا بر می خاستند مبارزه کند، تاکتیک ارتجاع را که از «دولت مستقل البانی» تحت حمایت ایتالیای فاشیست سخن می گوید، فاش گرداند.

کنفرانس به منظور توسعه و تقویت جبهه رهائیبخش ملی و به منظور پیشروی مطمئن به سوی قیام همگانی، قبل از هر چیز از سازمان های حزب خواست که خصلت رهائیبخش ملی ضد فاشیستی مبارزه را پیوسته در نظر داشته باشند و هرگز نگذارند که سیاست حزب در هیچ زمینه ای تحریف شود. انورخوجه تأکید می کرد:

«ما اپورتونیسیت نیستیم و هیچ گاه وظائف دیر پای خود را از یاد نبرده ایم. ولی پیش از وصول به این مرحله باید وظیفه عاجل خویش یعنی مبارزه رهائیبخش ملی را به انجام برسانیم.»^۴

کنفرانس سازماندهی ارتش رهائی بخش ملی را به عنوان حلقه اساسی قیام همگانی توصیف کرد. این ارتش در اثر اعتلای پر توان نبرد پارتیزانی در حال تشکیل بود. در چنان شرایطی تصمیم گرفته شد که:

«از واحد های پارتیزانی و داوطلبان، ارتش منظم رهائیبخش ملی به وجود آید که نیروی سهمناکی علیه اشغالگران و ضمانت نیرومند و مطمئنی برای رهائی خلق خواهد بود.»^۵

به این منظور کوشش شد که مسائل مربوط به سازماندهی ارتش، قسمت ها و واحد نظامی، ستاد های منطقه ئی و ستاد کل، مسائل مربوط به تأمین اسلحه، مهمات، پوشاک و خواربار، مسائل مربوط به تاکتیک نبرد و آماده سازی سیاسی جنگجویان و غیره فیصله یابد.

کنفرانس با تأکید ضرورت مبرم تأسیس ارتش رهائیبخش ملی و اهمیت قطعی آن در فرجام فرخنده قیام همگانی و حصول پیروزی بر دشمن، درک عمیق این مطلب را از کمونیست ها خواست که قلمرو عمده کار حزب، اکنون، ارتش است.

ادامه دارد...

^۳ - همانجا، صفحه ۱۰۴

^۴ - انور خوجه. «رهنمود های انترناسیونال کمونیستی و مبارزه رهائی بخش ملی»، گزارش به جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، فوریه ۱۹۴۳، جلد اول آثار. صفحه ۲۳۰

^۵ - قطعهنامه نخستین کنفرانس سراسری حزب کمونیست البانی. اسناد عمده حزب کار البانی. جلد اول صفحه ۱۱۴